

## اهمال کاری در دانشجویان

### Procrastination in College Students

Mojtaba Tamadoni

Islamic Azad University  
South Tehran Branch

مجتبی تمدنی

مربی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران جنوب

#### چکیده

توزیع اهمال کاری در دانشجویان دانشگاههای آزاد اسلامی و دولتی شهر تهران بررسی شد. نمونه‌ای شامل ۱۲۰۲ زن و ۷۷۰ مرد با میانگین سنی ۲۲ سال به مقیاس اهمال کاری تاکنن (۱۹۹۱) پاسخ دادند. نتایج نشان دادند که اهمال کاری با میانگین ۶۹/۲ و انحراف استاندارد ۱۱/۳ در ۵۴/۶ درصد دانشجویان بالاتر از متوسط بود. چولگی منفی و معنادار توزیع اهمال کاری در دانشجویان زن ( $P < 0/05$ ،  $-0/11$ ) و دانشگاههای آزاد اسلامی ( $P < 0/05$ ،  $-0/66$ ) نشان دادند که این دو گروه نسبت به دانشجویان مرد دانشگاههای دولتی سطوح بالاتری از رفتار اهمال کاری را گزارش کرده‌اند. یافته‌ها براساس تفاوت‌های ساختاری و کیفی بین دانشگاههای خصوصی و دولتی در ایران بحث شد.

واژه‌های کلیدی: اهمال کاری، همه‌گیری شناسی، دانشجویان.

#### Abstract

The distribution of procrastination in students studying at Tehran state and private (Islamic Azad) universities was examined. A sample of 1202 females and 770 males with an average age of 22, answered the Tuckman Procrastination Scale (1991). The results illustrated that procrastination among 54.6% of students was above average ( $M=69.2$ ,  $SD=11.3$ ). The significant negative skewness of distribution of procrastination in females ( $-0.11$ ,  $P<0.05$ ) and private universities' students ( $-0.66$ ,  $P<0.05$ ) indicated that these two groups reported higher levels of procrastination behavior than the male students in state universities. The findings were discussed based on the structural and qualitative differences between state and private universities in Iran.

**Key words:** procrastination, prevalence, student.

## مقدمه

اهمال کاری<sup>۱</sup> در زبان لاتین از دو بخش pro به معنی «جلو»، «پیش» و «در حمایت از» و crastinus به معنای فردا تشکیل شده و معنای تحت‌اللفظی آن «تا فردا» است. مترادفهای آن نیز شامل مسامحه<sup>۲</sup>، دودلی<sup>۳</sup>، به تأخیراندازی<sup>۴</sup> و به عقب‌انداختن انجام کار به ویژه به علت عادت در بی‌دقتی، یا تنبلی و به تعویق انداختن یا تأخیر غیرضروری می‌شود (نقل از ون ویک، ۲۰۰۴). با آنکه دامنه تعریف اهمال کاری از تأخیر در شروع یا کامل کردن یک عمل (بسویک، و مان، ۱۹۹۴)؛ تا تأخیر در پیوستگی عمل همراه با ناراحتی ذهنی (سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴)؛ و تأخیر غیرمنطقی رفتار (سایینی<sup>۵</sup> و سیلور<sup>۶</sup>، ۱۹۸۱؛ آکرلوف<sup>۷</sup>، ۱۹۹۱؛ بورکا<sup>۸</sup> و یوئن<sup>۹</sup>، ۱۹۸۳ نقل از زمانپور، ۲۰۰۰) را دربرمی‌گیرد، اما در مجموع، آن را به تأخیرانداختن یا به تعویق‌انداختن عملی تعریف کرده‌اند که شخص باید انجام دهد و از این رو سطحی از اضطراب ناشی از اهمال کاری را تجربه می‌کند (هیل، هیل، چابوت و بارال، ۱۹۷۸؛ راتبلوم، سولومون و موراکامی، ۱۹۸۶؛ رورباگ، ۲۰۰۶).

از نظر تاریخی اهمال کاری براساس دو دیدگاه قابل بررسی است: دیدگاه نخست، آن را یک پدیده نسبتاً تازه و دیدگاه دوم، آن را پدیده تمام‌زمانها در نظر می‌گیرد که در سالهای اخیر افزایش یافته است (استیل، ۲۰۰۵). بر پایه دیدگاه دوم، از آغاز تاریخ همه انسانها دچار اهمال کاری بوده‌اند. همورابی پادشاه بابل بر پایه قانون ۲۸۳، به منظور جلوگیری از اهمال کاری، قانون مهلت مقرر برای طرح شکایت را به ثبت رسانیده است. رومیان اهمال کاری را واگذاری کار امروز به فردا دانسته‌اند و در عصر حاضر نیز توماس هابز، ارزش شخصی هر فرد را در توانایی وی برای مدیریت و استفاده مؤثر از زمان تعریف می‌کند (نائوس، ۲۰۰۲).

اهمال کاری در برخی از متون (نقل از استیل، ۲۰۰۵) یک «تأخیر آگاهانه» تعریف شده و این اعتقاد وجود

داشته که اهمال کاری یک انتخاب خردمندانه است اما با آغاز انقلاب صنعتی این مفهوم معنای منفی‌تری به خود گرفته و با تنبلی یکسان در نظر گرفته شده است.

به گونه کلی، اهمال کاری پدیده‌ای شایع است. ظاهراً اکثر مردم دست‌کم با تأخیر در انجام بعضی از کارها، وقت‌گذرانی می‌کنند و برخی نیز وقت‌گذرانی را شیوه زندگی خود ساخته‌اند. نتایج برخی از پژوهشها (استیل، ۲۰۰۵) فراوانی اهمال کاری در دانشجویان را ۸۰ تا ۹۵ درصد تخمین زده‌اند که از آن میان، ۷۵ درصد خود را اهمال‌کار می‌دانند. افزون بر این، نیمی از این ۷۵ درصد نیز همواره به اهمال کاری مشغولند. ظاهراً این درصدها رو به تزايد و تا ۹۵ درصد افزایش یافته است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد حدود ۲۵ درصد از دانشجویان اهمال کاری مزمین دارند و در امتحانها نیز نمره کم می‌گیرند (سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴؛ کواد، ۲۰۰۶). با وجود این، برخی دیگر از پژوهشها (مانند بالکیس، دورو و دورو، ۲۰۰۹) شیوع اهمال کاری مزمین را تا ۲۳ درصد گزارش کرده‌اند. به نظر می‌رسد ناراحتی درون ذهنی<sup>۱۰</sup> دانشجویان که به گونه معمول با اضطراب همراه است ناشی از اهمال و به تأخیرانداختن وظیفه است (هایکوک، مک‌کارتی و اسکی، ۱۹۹۸).

از زمان تغییر در دیدگاههای نظری مربوط به اهمال کاری پژوهشهای زیادی به شناسایی چند بعدی این سازه اختصاص یافته‌اند (فراری و شر، ۲۰۰۰؛ استیل، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵؛ سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴). تا آنجا که اهمال کاری مجموعه وسیعی از عنوانها و اولویتهای پژوهشی را به خود اختصاص داده و رابطه آن با انواع متغیرها، اختلالهای روانی مانند افسردگی (سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴)، اضطراب (مالوس، ۲۰۰۲) و فعالیتهای تحصیلی به تأیید رسیده است (سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴). افزون بر این، اهمال کاری با سطح انتظار، حس شایستگی، میزان ارزش تکلیف، ناخوشایندی تکلیف، نیاز به پیشرفت، انگیزه پیشرفت، حساسیت نسبت به تأخیر،

1. procrastination  
2. cunctation  
3. shilly-shally  
4. dilatoriness

5. Sabini, M.  
6. Silver, M.  
7. Akerlof, G. A.  
8. Burka, J. B.

9. Yuen, L. M.  
10. intrapsychic

## روش

با استفاده از یک طرح زمینه‌یابی، از دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی تهران یک نمونه ۲۰۰۰ نفری با روش نمونه‌برداری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند؛ در مرحله نخست از بین دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی هر کدام ۳ دانشگاه، در مرحله دوم، از هر دانشگاه یک یا دو دانشکده و در مرحله سوم از هر دانشکده چند کلاس به گونه تصادفی انتخاب شدند. پس از گردآوری داده‌ها، تعداد ۲۸ پرسشنامه به علت مخدوش یا ناقص بودن کنار گذاشته شد. توزیع فراوانی جامعه آماری و گروه نمونه در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱.  
توزیع فراوانی گروه نمونه به تفکیک جنس و دانشگاه

n	%	جنس
۱۲۰۲	۶۱	دختر
۷۷۰	۳۹	پسر
		دانشگاه
۱۰۵۴	۵۱	آزاد
۹۱۸	۴۹	دولتی
<u>M</u>	<u>SD</u>	سن
۲۳/۲	۴/۹	

**مقیاس اهمال کاری تاکمن<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۱)** به منظور اندازه‌گیری: (۱) توصیف تمایل به تأخیر به گونه تعمیم‌یافته؛ (۲) میل شدید به انجام افراطی فعالیت در موقع انجام «کارهای ناخوشایند» و (۳) تمایل به سرزنش رویدادها یا افراد برای پیامدهای ناشی از اهمال کاری به کار رفت. این مقیاس ۳۵ سؤال دارد که به شیوه ۴ درجه‌ای لیکرت (از ۱ تا ۴) نمره‌گذاری می‌شود. بنابراین، دامنه نمره‌ها بین ۳۵ تا ۱۴۰ قرار دارد. ضریب همسانی درونی<sup>۱۲</sup> مقیاس بین ۰/۸ تا ۰/۹ گزارش شده است (تاکمن، ۱۹۹۱؛ هاجینسون، ۲۰۰۶)؛ این ضریب برای پژوهش حاضر برابر

آشفتگی<sup>۱</sup>، تحریک<sup>۲</sup>، خودمهارگری<sup>۳</sup>، آخرین فرصت، انتظار خوداثربخشی<sup>۴</sup> (استیل، ۲۰۰۵)، هویت من<sup>۵</sup> (شاناهان و پیچیل، ۲۰۰۷)، ناشکیبایی<sup>۶</sup> (روبن، ساپینزا و زینگالس، ۲۰۰۹) نیز رابطه معنادار دارد. با وجود این، شواهد تجربی بیانگر آن هستند که بین اضطراب و باورهای غیرمنطقی با اهمال کاری رابطه ضعیف یا غیرمعنادار وجود دارد. برای نمونه، افرادی که نمره کمال‌جویی آنها بالاتر است نسبت به دیگران اضطراب بیشتر و اهمال کاری کمتری نشان می‌دهند (استیل، ۲۰۰۵).

با آنکه نتایج پژوهش‌های متعدد (هیل و دیگران، ۱۹۷۸؛ فراری و شر، ۲۰۰۰) بر رابطه اهمال کاری با جنس تأکید کرده‌اند اما یافته‌ها متناقض به نظر می‌رسند. در برخی از پژوهش‌ها (مانند هیل و دیگران، ۱۹۷۸، سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴؛ راتبلوم و دیگران، ۱۹۸۶؛ زمانپور، ۲۰۰۰)، هیچ‌گونه تفاوتی بین دو جنس گزارش نشده است در حالی که برخی دیگر سطح اهمال کاری زنان (پالودی<sup>۷</sup> و فرانکل-هاوسر<sup>۸</sup>، ۱۹۸۶ نقل از زمانپور، ۲۰۰۰)، یا سطح اهمال کاری مردان را بالاتر گزارش کرده‌اند (بلانت و پیچیل، ۱۹۹۸). بررسی‌های دیگر (حق‌بین و پیچیل، ۲۰۰۸) تفاوت بین دو جنس را به متغیرهای میانجی مانند خود-مهارگری و استقلال از والدین نسبت داده‌اند. برای مثال در دانشجویان پسر تفرد روان‌شناختی<sup>۹</sup>، می‌تواند خود-مهارگری و اهمال کاری تحصیلی را پیش‌بینی کند. در حالی که در دختران کنارگذاشتن تعارض عاطفی با والدین، پیش‌بینی‌کننده خودمهارگری و اهمال کاری تحصیلی است. در حالی که نتایج پژوهش بنت، پیچیل، ووهل و کووالچوک (۲۰۰۸) این تفاوت را به متغیر ابراز وجود<sup>۱۰</sup> نسبت می‌دهند.

با توجه به اهمیت بررسی توزیع اهمال کاری در دانشجویان، هدف کلی پژوهش حاضر بررسی همه‌گیری-شناسی اهمال کاری در دانشجویان است.

1. confusion  
2. provocation  
3. self-control  
4. self-efficacy

5. ego identity  
6. impatience  
7. Paludi, M. A.  
8. Frankell-Hauser, J.

9. psychological individuation  
10. self-assertion  
11. Tuckman Procrastination Scale  
12. internal consistency coefficient

با ۰/۸۲ به دست آمد.

۱۱/۲۵ بود، توزیع اهمال کاری تا سه انحراف استاندارد مثبت و منفی طبقه‌بندی شد. نتایج این طبقه‌بندی در جدول ۳ و شکل ۲ نشان داده شده است.

تاکنن (۱۹۹۱) همبستگی آن را با مقیاس خود-اثربخشی عمومی<sup>۱</sup> محاسبه کرد، با این فرض که اعتقاد افراد نسبت به توانایی برای غلبه بر موانع و دستیابی به موفقیت، مانع از اهمال کاری می‌شود. این ضریب در رابطه با رفتار خودفرمان<sup>۲</sup> برابر با ۰/۵۴- و از لحاظ آماری معنادار بود (تاکنن، ۲۰۰۲).

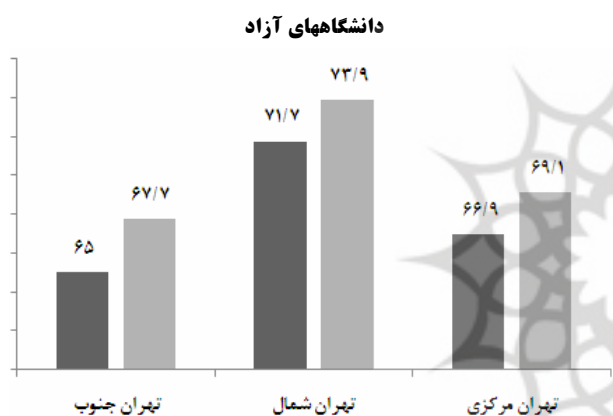
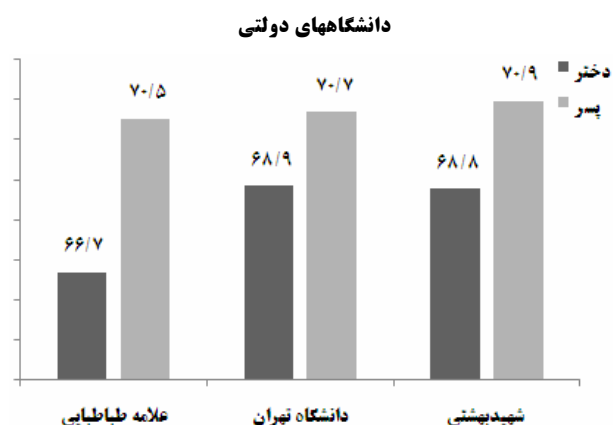
### یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد اهمال کاری به تفکیک دانشگاه در جدول ۲ و شکل ۱ منعکس شده است.

جدول ۲.

میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های اهمال کاری به تفکیک جنس و دانشگاه

واحدهای دانشگاه	پسر		دختر	
	SD	M	SD	M
<b>آزاد</b>				
تهران جنوب	۱۰/۶۷	۶۷/۶۴	۱۱/۳۰	۶۵/۰۳
تهران شمال	۹/۷۰	۷۳/۹۰	۱۰/۲۳	۷۱/۷۶
تهران مرکزی	۱۰/۰۷	۶۹/۱۲	۱۰/۵۱	۶۶/۶۹
<b>دولتی</b>				
علامه طباطبایی	۱۱/۳۴	۷۰/۵۳	۱۲/۲۴	۶۶/۶۹
دانشگاه تهران	۱۰/۲۶	۷۰/۷۰	۱۲/۱۳	۶۸/۸۵
شهید بهشتی	۱۰/۲۳	۷۰/۹۷	۱۲/۰۶	۶۸/۷۹



شکل ۱. میانگین نمره‌های اهمال کاری گروه نمونه به تفکیک دانشگاه‌های دولتی و آزاد

جدول ۳.

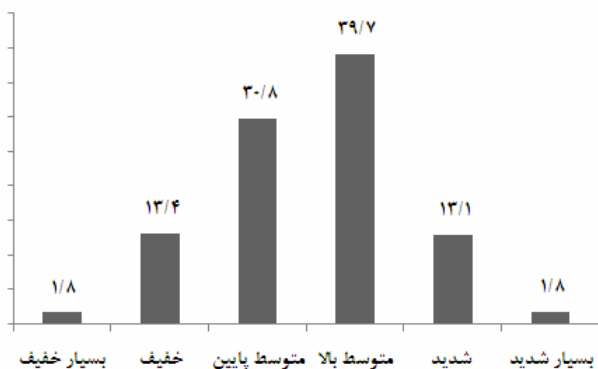
طبقه‌بندی اهمال کاری بر پایه میانگین و انحراف استاندارد کل گروه نمونه (n=۱۹۷۲)

طبقه	دامنه نمره	n	%	% Cf
بسیار ضعیف	۳۵-۴۵	۳۵	۱/۸	۱/۸
خفیف	۴۶-۵۷	۲۶۳	۱۳/۳	۱۵/۱۱
متوسط پایین	۵۸-۶۸	۵۹۶	۳۰/۲	۴۵/۱۳
متوسط بالا	۶۹-۸۰	۷۸۳	۳۹/۷	۸۴/۸۳
شدید	۸۱-۹۱	۲۵۹	۱۳/۱	۹۷/۹۳
بسیار شدید	۹۲-۱۰۲	۳۶	۱/۸	۱۰۰

چنانکه در جدول ۳ و شکل ۲ دیده می‌شود بیشترین درصد اهمال کاری (۳۹/۷) در دامنه ۶۹ تا ۸۰ یعنی متوسط

مقایسه میانگین اهمال کاری دانشگاه به تفکیک واحد دانشگاهی نشان می‌دهد که بالاترین میانگین اهمال کاری در دختران (۷۱/۷۶) و پسران (۷۳/۹۰) متعلق به دانشجویان واحد تهران شمال و کمترین میانگین در دختران (۶۵/۰۳) و پسران (۶۷/۶۴) متعلق به واحد تهران جنوب بود. به گونه کلی، میانگین دختران (۶۸/۱۴) کمتر از پسران (۷۰/۸۶) به دست آمد.

به منظور بررسی دقیق‌تر توزیع اهمال کاری در گروه‌های نمونه پس از محاسبه میانگین و انحراف استاندارد اهمال کاری در کل گروه نمونه که به ترتیب برابر با ۶۹/۲۱ و



شکل ۲. درصد توزیع اهمال کاری کل گروه نمونه

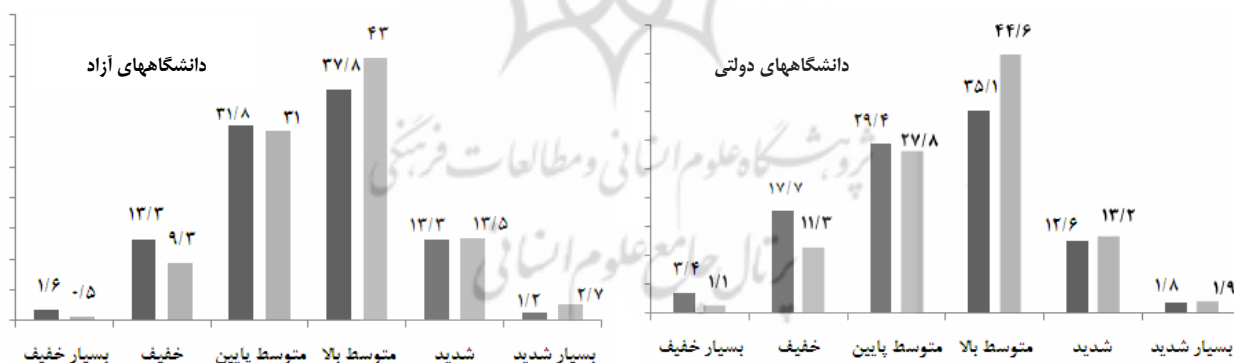
بالا قرار دارد. افزون بر این، مجموع درصدهای بالاتر از متوسط تا بسیار شدید نیز ۵۴/۶ است و شیوع اهمال کاری نسبتاً بالا در دانشجویان را نشان می‌دهد.

نتایج به دست آمده از مقایسه درصد شیوع اهمال کاری بر پایه طبقه‌بندی شدت در دو جنس به تفکیک دانشگاه آزاد و دولتی در جدول ۴ و شکل ۳ منعکس شده است.

جدول ۴.

فراوانی اهمال کاری بر پایه طبقه‌بندی شدت به تفکیک دانشگاه و جنس

طبقه اهمال کاری	آزاد		دولتی		پسر	دختر	پسر	دختر	درصد				
	پسر		دختر							پسر		دختر	
	%	n	%	n						%	n	%	n
بسیار خفیف	۰/۵	۲	۱/۶	۱۰	۱/۱	۴	۳/۴	۱۹	۱۹				
خفیف	۹/۳	۳۸	۱۳/۳	۸۶	۱۱/۳	۴۱	۱۷/۷	۹۸	۹۸				
متوسط پایین	۳۱	۱۲۶	۳۱/۸	۲۰۶	۲۷/۸	۱۰۱	۲۹/۴	۱۶۳	۱۶۳				
متوسط بالا	۴۳	۱۷۵	۳۷/۸	۲۵۱	۴۴/۶	۱۶۲	۳۵/۱	۱۹۵	۱۹۵				
شدید	۱۳/۵	۵۵	۱۳/۳	۸۶	۱۳/۲	۴۸	۱۲/۶	۷۰	۷۰				
بسیار شدید	۲/۷	۱۱	۱/۲	۸	۱/۹	۷	۱/۸	۱۰	۱۰				



شکل ۳. درصد اهمال کاری گروه نمونه به تفکیک دانشگاه و جنس

فراوانی اهمال کاری در پسران (برای هر دو دانشگاه) نسبتاً بیش از دختران است.

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع نمره گروه‌های نمونه از آزمون تک نمونه‌ای کالموگراف-اسمیرنوف<sup>۱</sup> استفاده و نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است.

چنانکه در جدول ۵ ملاحظه می‌شود توزیع نمره‌های

چنانکه در جدول ۴ دیده می‌شود درصد کسانی که نمره بالاتر از متوسط دارند در دانشگاه دولتی برای دختران و پسران به ترتیب برابر با ۴۹/۵ و ۵۹/۷ درصد و در دانشگاه آزاد به ترتیب برابر با ۵۲/۳ و ۵۹/۲ درصد است. این یافته نشان می‌دهد که به گونه کلی میزان اهمال کاری در دانشجویان هر دو دانشگاه نسبتاً بالا است. افزون بر این،

اهمال کاری در دانشجویان دانشگاه آزاد و نیز توزیع نمره‌های اهمال کاری دختران صرف‌نظر از دانشگاه از لحاظ آماری با توزیع نرمال تفاوت دارد. مقدار چولگی این دو گروه که به ترتیب برای دانشگاه آزاد و دانشجویان دختر ۰/۰۶۶- و ۰/۱۱- است، نشان می‌دهد نمره اهمال کاری اکثر دانشجویان دانشگاه آزاد و اکثر دانشجویان دختر از میانگین بالاتر بوده است.

جدول ۵.

خلاصه آزمون تک نمونه‌ای کالموگراف-اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع به تفکیک جنس و دانشگاه

	Z	D	چولگی	
دانشگاه آزاد	۱/۵۴*	۰/۰۲۷-۰/۰۲۵	-۰/۰۶۶	
دانشگاه دولتی	۱/۳۲	-۰/۰۴۴-۰/۰۳۱	-۰/۰۹۴	
دختر	۱/۶۰*	-۰/۰۴۶-۰/۰۲۸	-۰/۱۱	
پسر	۱/۱۵	۰/۰۴۲-۰/۰۳۶	۰/۰۵	

\* $P < ۰/۰۵$ .

## بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که میزان شیوع اهمال کاری در دانشجویان نسبتاً بالاست. این یافته، می‌تواند نتایج پژوهش‌هایی را که وجود اهمال کاری را در بین دانشجویان فراگیر می‌دانند (استیل، ۲۰۰۵؛ سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴؛ کواد، ۲۰۰۶؛ بالکیس و دیگران، ۲۰۰۹؛ هایکوک و دیگران، ۱۹۹۸) تأیید کند. یافته‌های مبتنی بر طبقه‌بندی نمره‌های اهمال کاری که در پژوهش حاضر حاکی از شیوع اهمال کاری بالاتر از متوسط در ۸/۸۴ درصد دانشجویان بود با پژوهش‌های بسیاری (برای نمونه نائوس، ۲۰۰۲؛ استیل، ۲۰۰۵؛ سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴؛ کواد، ۲۰۰۶) همسو است. نائوس (۲۰۰۲) میزان اهمال کاری دانشجویان را ۹۰ درصد و استیل (۲۰۰۵) آن را بین ۸۰ تا ۹۵ درصد گزارش کرده است.

افزون بر این، نتایج نشان دادند که به گونه کلی درصد شیوع اهمال کاری در دانشجویان پسر بیش از دختران است. این یافته با برخی از یافته‌های گزارش شده پیشین که نمره اهمال کاری مردان را بالاتر گزارش کرده‌اند (بلانت و پیچیل، ۱۹۹۸) همخوان و با یافته‌های دیگر

یعنی عدم وجود تفاوت بین دو جنس (از جمله، هیل و دیگران، ۱۹۷۸؛ سولومون و راتبلوم، ۱۹۸۴؛ راتبلوم و دیگران، ۱۹۸۶؛ زمانپور، ۲۰۰۰) و بالاتر بودن نمره زنان (پالادی و فرانکل - هاووزر، ۱۹۸۶ نقل از زمانپور، ۲۰۰۰) ناهمخوان است. به نظر می‌رسد، تفاوت دو جنس در اهمال-کاری با اثرپذیری آن از متغیرهای میانجی و تعامل این گونه متغیرها مرتبط است. برای نمونه یافته‌های حقیقی و پیچیل (۲۰۰۸) تفاوت بین دو جنس را به متغیرهای خودمهارگری و استقلال از والدین و یافته‌های بنت و پیچیل، ووهل و کاولت‌چاک (۲۰۰۸) به متغیر ابراز وجود نسبت داده‌اند.

یافته دیگر پژوهش حاضر به میزان شیوع اهمال کاری در دانشگاه‌های آزاد و دولتی مربوط است، نتایج نشان دادند که به گونه کلی درصد شیوع اهمال کاری دانشجویان در هر دو دانشگاه نسبتاً بالا و در حدود ۸۴/۸ درصد بود. با وجود این، چولگی منفی نمره اهمال کاری دانشجویان دانشگاه آزاد بیش از کل گروه و از نظر آماری معنادار بود. با آنکه تفاوت توزیع اهمال کاری در دانشگاه‌های آزاد به پژوهش‌های بیشتری نیازمند است، اما برخی از تفاوت‌های بین دو دانشگاه از جمله جذب دانشجویان با انگیزه‌تر در دانشگاه دولتی (به دلیل اولویت قراردادن ورود به دانشگاه دولتی)، وجود استادان با سابقه‌تر و نیز استانداردهای بالاتر در دانشگاه‌های دولتی، به ویژه در شهر تهران، می‌تواند این یافته را توجیه کند. به این ترتیب اینگونه تفاوت‌های کیفی دانشگاه‌های دولتی با دانشگاه‌های آزاد می‌تواند موجب بروز برخی از مشکلات دوران تحصیل از جمله اهمال کاری شود. روشن است دانشجویی که با انگیزه‌های بالاتری به دانشگاه وارد شده و محل تحصیل وی به استانداردهای آموزشی نزدیکتر باشد بیش از سایر محیط‌های آموزشی به تکالیف تحصیلی پرداخته و احتمالاً کمتر دچار اهمال کاری و مسامحه خواهد شد.

محدودیت‌های روش‌شناختی و نظری مطالعه حاضر شامل: سوگیری پاسخها، حساسیت آزمودنیها به پرسشها و نمونه مورد بررسی می‌تواند تعمیم‌پذیری یافته‌ها را با محدودیت مواجه سازد. به منظور اصلاح محدودیت‌های روش‌شناختی پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران مقیاس‌های

tionation. Paper presented at the Eastern Psychological Association conference, Boston.

**Haycock, L. A., McCarthy, P., & Skay, C. L. (1998).** Procrastination in college students: The role of self-efficacy and anxiety. *Journal of Counseling & Development, 76* (3), 317-324.

**Hill, M. B., Hill, D. A., Chabot, A. E., & Barrall, J. F. (1978).** A survey of college faculty and student procrastination. *College Student Journal, 12* (3), 256-262.

**Hutchinson, B. A. (2006).** *Validity of measuring procrastination using self-assessment scales*. Retrieved 21 August 2009 from [www.belmont.edu/psychology/pdf/BURS 2006. pdf](http://www.belmont.edu/psychology/pdf/BURS%2006.pdf).

**Knaus, W. (2002).** *Procrastination workbook*. New Harbinger Publications, Inc.

**Mallows, C. (2002).** *Existential aspects of procrastination*. Unpublished Honours Bachelor of Arts, University of Carleton, Ottawa.

**Quad, R. (2006).** *Overcoming procrastination*. Retrieved 26 August 2009 from <http://ub-counseling.buffalo.edu/stressprocrast.shtml>.

**Reuben, E., Sapienza, P., & Zingales, L. (2010).** *Procrastination and impatience*. Working Paper 13713. NBER.

**Rohrbaugh, D. (2006).** *Perceived stress in active, passive and non-procrastinating college students*. BURS 2006, Psychology II.

**Rothblum, E. D., Solomon, L. J., & Murakami, J. (1986).** Affective, cognitive, and behavioral differences between high and low procrastinators. *Journal of Counseling Psychology, 33* (4), 387-394.

**Shannahan, M. J., & Pychyl, T. A. (2007).** An ego identity perspective on volitional action: Identity status, agency, and procrastination. *Personality and Individual Differences, 43*, 901-911.

دیگری از اهمال کاری را افزون بر گروه دانشجویان، در جمعیت‌های دیگر نیز اجرا کنند. به نظر می‌رسد که ایجاد آمادگی پاسخدهی به این گونه آزمون‌ها به آموزش، اجرای مکرر پرسشنامه و گسترش پژوهش‌های مرتبط، نیازمند است. تبیین برخی از تفاوت‌های یافته‌های این بررسی با نتایج پژوهش‌های پیشین، تداوم انجام پژوهش در این زمینه را ضروری می‌سازد.

## منابع

**Balkis, M., Duru, E., & Duru, S., (2009).** Prevalence of academic procrastination behavior among preservice teachers, and its relationship with demographics and individual preferences. *Journal of Theory and Practice in Education, 5* (1), 18-32.

**Bennett, S., Pychyl, T. A., Wohl, M. J. A., & Kovaltchouk, Z. (2008).** *Self-forgiveness for task-specific procrastination*. Paper presented at the Eastern Psychological Association conference, Boston.

**Beswick, G., & Mann, L. (1994).** State orientation and procrastination. In J. Kuhl and J. Beckmann (Eds.), *Volition and personality: Action versus state orientation* (pp. 91-396). Gottingen, Germany: Hogrefe and Huber Publishers.

**Blunt, A., & Pychyl, T. A. (1998).** Volitional action and inaction in the lives of undergraduate students: State orientation, procrastination and proneness to boredom. *Personality & Individual Differences, 24* (6), 837-846.

**Ferrari, J. R., & Scher, S. J. (2000).** Toward an understanding of academic and nonacademic tasks procrastinated by students: The use of daily logs. *Psychology in the Schools, 37* (4), 359-366.

**Hagbin, M., & Pychyl, T. A. (2008).** *Self-control in relation to parental independence and procrastination*.

current validity of the procrastination scale. *Educational and Psychological Measurement*, 51, 473-480.

**Tuckman, B. W. (2002).** *Academic procrastinators: Their rationalizations and web-course performance.* The Ohio State University, APA Symposium Paper, Chicago.

**Van Wyk, L. (2004).** *The relationship between procrastination and stress in the life of the high school teacher.* Unpublished master thesis, University of Pretoria.

**Zamanpour, H. (2000).** *The mediational roles of performance-avoidance goals pursuit and procrastination in the hierarchical model of achievement motivation.* Unpublished masters thesis, Carleton University, Ottawa, Ontario, Canada.

**Sherer, M., & Adams, C. (1982).** Construct validity of the self-efficacy scale. *Psychological Reports*, 53, 899-902.

**Solomon, L. J., & Rothblum, E. D. (1984).** Academic procrastination: Frequency and cognitive-behavioral correlates. *Journal of Counseling Psychology*, 31, 504-510.

**Steel, P. (2003).** *The history, definition, and measurement of procrastination.* Paper presented at the meeting of the Counseling the Procrastinator in Academic Settings, 3rd Biennial Conference, Columbus, Ohio.

**Steel, P. (2007).** The nature of procrastination: A meta-analytic and theoretical review of self-regulatory failure. *Psychological Bulletin*, 133 (1), 65-94.

**Tuckman, B. W. (1991).** The development and con-

